

سخنران : سیدمجید میرخانی ، معاون امور توانبخشی
 موضوع سخنرانی : جایگاه توانبخشی حرفه ای و اشتغال معلولین در نظام
 توانبخشی

با مروری بر تاریخ انسانها میبینیم که زندگی جوامع بشری در طول
 تکامل حیات خود فراز و نشیبهای فراوان بخود دیده . و در طی دوران —
 متمادی با تشکل اجتماعات و استفاده از تجارب و اتفاقات گذشته بسر
 بسیاری از سختیها و مشکلات فائق آمده است .

هرچه تاریخ را به عقب تر ورق میزنیم روابط فرهنگی و اجتماعی
 ساده تر و در عوض بعلت نارسائیهای علمی و کمبود آگاهی مصائب
 عدیده ای وجود داشته است که متأسفانه معلولین در طول تاریخ همیشه
 بیشتر از افراد معلول مورد بی مهری و قهر طبیعت و همنوعان خود قرار
 گرفته اند و بطور کلی روند زندگی معلولین را از گذشته دور تاکنون میتوان
 در پنج مرحله خلاصه نمود .

۱ - حذف معلولین از جامعه

۲ - نگهداری در توان خانه ها و محیطهای شبانه روزی

۳ - نگهداری در شبانه روزیها به تفکیک نوع معلولیت

۴ - حمایت برای زندگی در کنار خانواده و جامعه افراد غیر معلول

۵ - دست یابی به نهایت توانائی

مرحله حذف

گرچه از زمانهای دور اطلاعات کافی در برخورد با معلولین در دست نیست ولی آنچه مسلم است این گروه از جامعه معمولاً " با مرگ زود رسی - مواجه بوده اند که این مرگ و میرها در اغلب موارد ناشی از معلولیت و عوارض آن نبوده بلکه مرگی تحمیل شده از سوی جامعه بشری برای آنان بوده است .

معلولی که نمیدانسته است خود را با کشاکش روزگار وفق داده و بر امور روزمره خود مسلط باشد جایی در جامعه نداشته است آنان یا بدست تقدیر در معابر رها میشوند و یا با انواع خرافاتی که در جامعه وجود داشت بنحوی نابود میشوند .

با ظهور اسلام انقلابی در مسیر دستگیری ناتوانان و محرومین در جوامع اسلامی رخ داد . معلولینی که در این جوامع زندگی میکردند به تناسب سطح آگاهی جامعه کما بیش از توجه خاصی برخوردار و بنحوی در حضور پیدا میکردند ولی این امر در اغلب جوامع دیگر همچنان سیر تدریجی تکامل خود را پیدا میکرد و گاه آنجا که اثری از ترحم و نعدوستی وجود نداشت عملاً " به کشتار معلولین پرداخته میشد . مثال مشهود آن کشتار دسته جمعی معلولین بوسیله رژیم نازی هیتلری آلمان است . طبق اسناد دادگاه نورم برگ حدود ۴۰۰/۰۰۰ نفر معلول قربانی جنایت

هیئت‌ری شده اند. زیرا براین عقیده بوده اند که وجود معلولین فایده ای -
 برای رژیم مربوطه نداشته و میبایست حذف گردند.
 بهر حال طرز تلقی حذف معلولین خوشبختانه منسوخ گردیده است.

نگهداری در توان‌خانه‌ها و محل‌های شبانه‌روزی

تدبیر و ایجاد محلهایی برای نگهداری محرومین ناتوانان، بیکاران،
 ولگردان، سالمندان و ایتام، اولین‌بار در قرن ۱۶ در اروپا رایج گردید.
 انگیزه اصلی این برنامه انجام خدمات انساندوستانه نبوده بلکه هدف
 جمع‌آوری این گروه از افراد جامعه، حفظ ظاهر و جلوگیری از نقشهایی
 که میتواند برای دولت وقت فراهم نماید بوده است. این نوع روش تا
 اوایل قرن نوزده نیز در اروپا رایج بوده است. وجود توان‌خانه‌ها
 و کانونهای کارآموزی در ایران تا قبل از انقلاب اسلامی نیز همین هدف
 را دنبال میکرد.

نگهداری در شبانه‌روزیها به تفکیک معلولین

با توجه به اینکه درسیستم نگهداری ناتوانان، انواع معلولین
 با شدت مختلف در یک مکان و بصورت مختلط نگهداری میشدند، نه تنها
 بهداشت فردی و محیطی معلولین را به خطر می‌انداخت بلکه اثرات

سو، روانی در ناتوانانی که صرفاً " معلولین جسمی داشتند ایجاد مینمود و معمولاً " افرادی که تحت نگهداری بودند دارای انواع و اقسام رفتارهای ناهنجار میشدند. لذا بتدریج تفکر ، تفکیک معلولین ، از حدود ۱۵۰ سال قبل نزع گرفت و در اینگونه مراکز خدمات بهداشتی مـــورد نیاز و موارد خاص درمانی و کم کم آموزش حرفه ای رواج یافت . رفته رفته این روش قوت گرفته و حالت افراطی را بخود گرفت بطوریکه چنین تلقی شده بودکه میبایست معلولین از خانواده جدا و در محل مخصوصی نگهداری شوند علیرغم لزوم انکار ناپذیر اینگونه مراکز برای نگهداری معلولین بی سرپرست ، مجهول الهویه و آنکه وجودشان در داخل خانواده ممکن است سلامت بهداشت روانی را بخطر اندازندولی وجه افراطی آن علاوه بر تحمیل هزینه زیاد، در زمینه های عاطفی و تربیتی نیز نتیجه معکوس را خواهد داشت .

زندگی در کنار خانواده و جامعه عادی افراد

باتوجه به مسائل جنبی ایجاد شده در بند فوق که در صدر آنها بالا بودن هزینه نگهداری در مراکز دولتی مطرح میباشد جذب معلول جهت نگهداری در مراکز به تدریج قوت خود را از دست داد . بطوریکه با پایان گرفتن جنگ جهانی دوم بعلت مقدور نبودن ایجاد مراکز شبانه روزی بازگشت معلولین به خانواده موردنظر قرار گرفت ، در این شرایط بعلت عدم آگاهی

و اینکه تکنولوژی هنوز به مرحله رشد کافی در زمینه توانبخشی و استفاده از وسایل ذیربط نرسیده بود ، لذا توان بالقوه آنان مد نظر نبوده و معلولین بیشتر با توان بالفعل زندگی میکردند . بنابراین حضور فعال مورد انتظار برای آنان در جامعه ضعیف و با موانع و مشکلات عدیده روبرو میباشد . در این مرحله معلولین در خانواده های گسترده تحت مراقبتهای خانوادگی و فامیل قرار میگرفتند و در شهرهای بزرگ تحت ترحم و دلسوزی .

دست هایی به نهایت توانائی

مطلوبترین روشی که پس از تحقیقات و مطالعات و کسب تجاربهای لازم در مورد به زیستن معلولین بخصوص در دهه اخیر انتخاب و بمرحله اجرا درآمده آنست که معلول قادر گردد که نقشی فعال در جامعه داشته و با عزت زندگی نماید و نه تنها در مسیر استقلال اقتصادی و اجتماعی پیش رود بلکه جامعه نیز از بازده فعالیت آنان بهره مند گردد .

اگر نیازهای اساسی را براساس تئوری مازلر که نیازهای فیزیولوژیک (آب ، هوا ، غذا ، خواب و ۰۰۰) نیاز به امنیت و نیازهای اجتماعی، برخورداری از احترام ، نقش داشتن ، مطرح بودن، مطرح باشد میبینیم که مراحل ۲ و ۳ صرفاً " نیازهای اولیه معلولین یعنی نیازهای فیزیولوژیک و گاه حدودی از نیازهای ثانویه ، یعنی حضور در جامعه و نیازهای عاطفی

و اجتماعی را تأمین میکند. بنابراین معلولین در چه شرایطی میتوانند به نیازهای اجتماعی، تعلق داشتن، مورد توجه قرارگرفتن دست یابند؟ این امر در زمانی صورت میپذیرد که معلول در کانون خانواده زندگی نماید. مشروط بر آنکه شرایط نامساعد مرحله ۴ را نداشته باشد زیرا در این موقعیت برخورداری از احترام و حرمت اجتماعی، داشتن نقش فعال در جامعه و غیره ۰۰۰۰ نیاز به دوره طولانی مدت خواهد داشت. همانطور که قبلاً اشاره شد در گذشته وجود خانواده‌ها ی گسترده — معمولاً معلولین را تحت مراقبت‌های خانوادگی و فامیلی قرار میدادند و در شهرهای بزرگ مورد لطف و ترحم افراد خیر و انساندوست قرار می‌گرفتند که این مراقبت‌ها و دلسوزی‌ها نمیتواند جوابگوی نیازهای این طبقه باشد گو آنکه روح بزرگ و توان بالقوه معلولین نمیتواند صرفاً " به خوراک و پوشاک و سرپناه و حفاظت بسنده نماید این امر الاخص در جامعه انقلابی اسلامی ما ضرورت دارد با اقداماتی فراتر در جهت تکامل ارائه خدمات به معلولین باشد.

اینجاست که جایگاه توانبخشی حرفه‌ای که تأمین‌کننده نقش فعال معلول در جامعه و رشد تشخیص آنان میباشد مطرح میگردد.

داشتن اشتغال برای معلولین فراتر از دستیابی به دستمزد اقتصادی بوده، بلکه کار و کوشش اثرات درمانی و روانی داشته، ارتباط معلولین را با جامعه فراهم می‌نماید. حس تشریک مساعی و شرکت در جامعه

اعتماد بنفس را افزایش و موجب ایجاد منزلت شخصی و اجتماعی می‌گردد.
توفیق توانبخشی در کسب استقلال اقتصادی معلولین بعنوان شاخص
توانبخشی موفق هر کشوری میتواند باشد.

در جامعه ما با توجه به برآورد معلولین نیازمند به خدمات توانبخشی که
حدود ۱/۸۰۰/۰۰۰ نفر میباشند نیمی از این جمعیت در سنین فعال قرار
داشته و یک سوم آنان (۶۰۰/۰۰۰ نفر) نیازمند به توانبخشی حرفه ای -
میباشند در حالیکه سالیانه حدود ۶۰ هزار نفر به جمعیت نیازمند به
خدمات توانبخشی اضافه می‌گردد.

در حال حاضر حدود سه هزار نفر سالیانه از خدمات توانبخشی حرفه ای -
بهره مند می‌گردند که متأسفانه تنها برای نیمی از آنان امکانات
اشتغال فراهم می‌گردد که برای رفع این مشکل و گسترش امکانات معلولین
نیاز به یک خدمات همه جانبه عمومی و بسیج اراده معلولین نیازمند
میباشد تا زمینه های لازم برای اشتغال معلولین فراهم گردد. البته برخی
موانع از جمله وضعیت اقتصادی و کساد بازار کار ممکن است در شرایط
خاصی برای مملکت بوجود آمده باشد که مسلم است در این رابطه اولین
کسانی که قربانی کساد می‌گردد معلولین و آخرین کسانی که شانس
بدرست آوردن کار را مییابند نیز معلولین میباشند.

بطور کلی موانعی که در ارتباط با اشتغال معلولین وجود دارد.

۱ - طرز تلقی و نگرش جامعه

اگر جامعه بر این باور باشد که افراد ناتوان غیر مولد بوده و بایستی در محیط خانواده و سازمان تحت مراقبت قرارگیرند ، چنین جامعه ای برای جذب اشخاص ناتوان کمتر آمادگی دارد .

توانبخشی بعنوان يك جریان تدریجی و مداوم علاوه بر جنبه های آن شدیداً " تحت تأثیر رفتار مردم است .

اگر رفتار مردم جنبه منفی داشته باشد نتیجه مثبت تلاشهای توانبخشی فوق العاده پائین خواهد بود .

شاید زمینه های این نگرش منفی برمیگردد به باورهای نادرستی که در طی سالیان بر افکار مردم در ارتباط با معلولین نفوذ نموده است .

تصور باور اینکه معلولین جسمی بیشتر از افراد عادی ناسازگار و توان — مندی ذهنی کمتری دارند که ضرب المثل عقل سالم در بدن سالم مبنی ایسن مدعاست ، که ریشه این پدیده با جائی که يك ویژگی منفی در فرد وجود دارد با سایر خصوصیات فرد بصورت منتهی نگریسته میشود و تعمیم پیدا — میکند .

دومین باور اینکه معلولیت بزرگترین فاصله تراژدی میباشد زمانی که چنین بهم پیوستگی در این باور یعنی فاجعه و معلولیت وجود دارد چیس — دیگری از معلول جز ، رنج ، سرخوردگی و طرورشدن باقی نمیگذارد اگر

معلولیت تراژدی است چگونه میتوان به معلول و خانواده اش این فکر را انتقال داد که زندگی امید بخش و لذت بخش میباشد.

در صورتیکه گروه عظیمی از معلولین نگذاشته اند که معلولیت بر تمام زندگیشان سایه افکند آنان معلولیت را بعنوان یک محدودیت میدانند. مشکلات جسمی تحت الشعاع سایر ارزشها قرار میگیرد. لذا میتوان از زندگی سعادت‌مندی برخوردار گردند.

همچنین والدینی که شرایط را پذیرفته و خود را با معلولیت فرزندشان تطبیق داده اند از کمک به فرزندشان لذت میبرند در این شرایط است که مربیان و متخصصین توانبخشی به سهولت میتوانند وارد عمل شده و آموزشها و کمکهای لازم را به معلول بنمایند و از حداقل زمان بیشتر بازدهی و نتیجه را برای معلول فراهم آورند.

تطابق و سازگاری فرد معلول با معلولیت خود از اهمیت بسیاری برخوردار است. برخی از معلولین و یا خانواده های آنان که هنوز معلولیت را نپذیرفته اند بجای فعالیتهای اساسی و توانبخشی به دنبال دارو و درمان میروند. در این نوع طرز تفکر نه تنها معلول و خانواده متحمل هزینه میگردد بلکه موجب تأخیر در آموزش و توانبخشی معلول میگردد که در این رابطه هرچه سن معلول پائین تر باشد ضرر روزیانی بیشتری در آینده متحمل خواهند شد.

بنابراین اگر معلولیت بویژه در مورد معلولین جسمی به عنوان یک

محدودیت در نظر گرفته شود دیگر تقاطع قوت معلول خود را نمایان میسازد معلولی که پای خود را از دست داده و یا نابینا شده است باید بدانند که تجربه او ، تحصیلات او ، علایق و استعداد و دیگر اعضا او تغییر نکرده و وجود دارد و میتواند از آنها استفاده نماید . از طرفی خانواده نیز میبایست سعی در قطع پیوندهای وابستگی معلول خود نموده تا روحیه اتکاء بنفس در وی ایجاد گردد زیرا اتکاء بنفس بعنوان مسئله اصلی در پذیرش خدمات آموزش و حرفه ای در توانبخشی مد نظر میباشد بنابراین سازگاری با معلولیت در موفقیت یا شکست توانبخشی تعیین کننده هست معلولیت در رابطه با محیط زندگی اختلال حاصل مینماید. خودپنداری تصویر فرد از خود دگرگون میشود . شخصیت ، احساسات ، رفتار دچار اختلال میگردد .

علائمی از قبیل تشویش ، اضطراب ، احساس گناه ، وابستگی حاصل میگردد .

میزان تطابق معلولیت بستگی به ماهیت معلولیت، شخصیت فرد و تجربه زندگی گذشته ، امکانات جامعه میتواند برایش فراهم نماید . نگرش دیگری که در برخی جوامع یا خانواده ها وجود دارد این است که وجود معلول را ناشی از گناه والدین دانسته و این طرز تفکر موجب میگردد که والدین معلول خود را از انزار جدا و مخفی نگه دارند و مآلاً "فرد

معلول از خدمات اجتماعی بی بهره بماند. در صورت ادامه این وضعیت معمولاً " اینگونه معلولین سرنوشت نامطلوب و اسف آوری دچار میگردند. اینگونه نگرش ها از نظر علمی مطرود بوده است و از نظر علمای دینی نیز پایه و اساسی ندارد. البته استفاده والدین از برخی مواد تحريم شده و زیان بخش مثل الکل ممکن است اثرات سوء بر روی جنین بگذارد که خوشبختانه این قبیل مواد در فرهنگ غنی اسلامی مورد استفاده ندارد.

نگرش و طرز تفکر کارفرمایان

کارفرمایان در صورت آگاهی کافی به شناخت و توان معلولین داشته باشند از گره گشایان بزرگ اشتغال معلولین میتوانند باشند. و در غیر این صورت از خود مقاومتی نشان میدهند بخصوصاً اگر عرضه کافی نیروی انسانی غیر معلول وجود داشته باشد مسائل دیگری که کارفرمایان در اشتغال معلولین هراس دارند، ترس از هزینه زایی معلول در رابطه با غیبت و یا بیماری و یاپائین بودن بهره وری کار و ایجاد تعهدات بیشتر بهنگام حوادث و تأمین خسارات ناشی از آن میباشد. روشهای محدود کننده استخدام منجمله شرایط جسمی و استانداردهای مربوطه موانعی است که شانس استخدام معلولین را کاهش میدهد.

از دیگر مسائل مربوط به اشتغال معلولین را میتوان عدم تطابق بی...

آموخته های آنان در دوره های آموزش با نیاز بازار کار است . از طرفی در صورت تطابق کیفیت آموزش میبایست قابل رقابت با بازار کار باشد نارسائی فعالیتهای کاریابی در شناخت بازار کار و همچنین کمبود تسلط کاریاب به نحوه توانائیهای معلولین و توانبخشی نیز بسط کارگماری معلولین را با دشواری مواجه میسازد .

چگونه میتوان بر موانع غلبه پیدا کرد

برای رفع موانع حضور فعال معلولین در جامعه يك حرکت اساسی چند جانبه لازمست که در طولانی مدت و کوتاهمدت انجام پذیرد .

۱ - از طریق سازمان های مسئول

۲ - از طریق سازمانهایی که خدمات آنان بنحوی تامین کننده نیازهای معلولین و توانبخشی میباشد .

۳ - از طریق جامعه فرد معلول

۴ - از طریق جامعه

ارگانهای مسئول میبایست تحت هماهنگی يك ارگان و یا يك هیئت فعالیتهای خود تنظیم نمایند . ارگان مسئول خطی مشی ها ، برنامه های علمی و عملی ، نیازها ، افراد تحت پوشش و غیره را اعلام میدارد . دراین شرایط سایر ارگانهای ذیربط میبایست همکاری و همیاری و مساعدت های لازم را معمول و وسایل مورد نیاز را در اختیار ارگان مسئول قرار

داده تا اهداف مورد نظر بمرحله اجرا درآید . بعنوان مثال آگاهسازی جامعه ای با جمعیت چندین میلیونی بدون کمک رسانه های ارتباط جمعی امکان پذیر نبوده و یا بسختی و بطور ناقص انجام میپذیرد . در این رابطه میبایست نقش معلولین در جامعه شناسانده شود . آگاهی فرد معلول به نقشی که میتواند در جامعه ایفاء نماید موجب میگردد که خود بسیاری از موانع را از پیش پا بردارد و به یاری سایر جنبه های فوق الذکر بویژه در جهت اشتغال در موارد زیر سعی نماید :

- ۱ - رسیدگی به نظافت شخصی و حفظ بهداشت فردی و محیطی
- ۲ - رعایت نظم در محیط کار و برقراری احساس مسئولیت
- ۳ - طرد پذیرش احساس ترحم و تقویت اتکاء بنفس
- ۳ - برقراری يك ارتباط مناسب با همکاران ، مربیان و افراد جامعه
- ۵ - بهره مند شدن از تمامی توانائی ها و استعداد های بالقوه در فراگیری آموزش و اشتغال برای حضور فعالتر در جامعه و بدست آوردن بالاترین سطح مهارت و بازدهی کار
- ۶ - و بالاخره بتواند نگرش جامعه را در برخورد با خود نسبت به گذشته تغییر دهد .

اقدامات مورد نیاز در کوتاه مدت

لین
بجز اقدامات فوق الذکر ، اجرای برخی از موارد در حل مشکلات معلو

بویژه در شرایطی که وضع اقتصادی مملکت در سطح مطلوبی نمی باشد نیاز به یک سری حمایت‌های قانونی دارد. قانون توانبخشی حرفه ای میتواند بعنوان پشتوانه حرکتها را در جهت کمک به معلولین تسهیل و تسریع نماید خوشبختانه در این رابطه متن لایحه قانون حمایت از اشتغال معلولین تهیه و آماده تقدیم به هیئت محترم دولت جمهوری اسلامی ایران میباشد. از آنجاکه مصوبه قانونی الزام بکارگماری ۳٪ از معلولین در مؤسسات (بیش از ۵۰ کشور در جهان از این سهمیه بصورت قانونی بادرصدهای مختلف و معمولاً " با لاتراز ۳درصد استفاده مینمایند) تحت الشعاع قوانین دیگر قرار گرفته و الویت خود را از دست داده است مجدداً "معلولین را در محرومیت از اشتغال سهمیه رجعت داده است و لذا این فاکتور در قانون مذکور آورده شده و دیگر بار تأکید بر حُسن اجرای آن شده است. همچنین در این قانون گسترش استخدام و مراکز اشتغالزایا ایجا تسهیلات لازم در تأمین مواد اولیه ، فر وش محصولات و نحوه استخدام و ساعات کاری در توان معلولین بادر نظر گرفتن حقوق کامل ، افزایش میزان کمک هزینه کارآموزی و کارورزی ، الزام مؤسسات غیر دولتی در بکارگماری معلولین بمیزان ۳٪ .

الویت معلولین در استخدام برخی از مشاغل و بالاخره تأمین امکانات رفاهی در مکان اشتغال در نظر گرفته شده است .

ایجاد کارگاههای حمایت شده و شرکتهای تعاونی خاص معلولین بطور تلفیقی نیز از جمله مواردیست که در قانون مورد نظر آمده است Reply انگلیسی حدود ۴ هزار معلول و ۲۴۰۰ نفر سالم - تعاونیهای موجود در لهستان ۲۰۰/۰۰۰ معلول با ۸۰ هزار افراد سالم)

اشتغال بصورت خویش فرما نیز که در توانبخشی تحت عناوین اشتغال سرمایه ای و اشتغال خانگی مرسوم میباشد با سرمایه نسبتاً اندک میتواند معلولین را بلحاظ درآمد به استقلال اقتصادی برساند بویژه برای معلولین روستائی که در آنجا صنایع دستی و کشاورزی رواج دارد بسیار مناسب است . اشتغال خانگی برای معلولین با شدت معلولیت بیشتر بسبب عدم نیاز بر رفت و آمدهای روزانه به محل کار و اینکه در جوار خانواده میباشد مورد استفاده زیادتری دارد .

داری
بهر حال حضور فعال معلولین در جامعه از بُعد اقتصادی از یکطرف و برخورد از اصل مساوات که مکتب انسان پرور اسلام بر آن تأکید دارد زمانسسی میتواند تحقق یابد که زمینه برخورداری مساوی از مواهب و نعمتهای الهی و امکانات و تسهیلات مختلف جامعه برای کلیه افراد علیرغم تفاوتها و فراخواریهای خاص جسمی و ذهنی آنان فراهم گردد و تنها در این صورت است که میتوانیم اعلام کنیم که همه انسانها با هم برابرند و از حقوق یکسان برخوردارند و اصل بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران مبنی بر الزام دولت در ایجاد کار برای همه افراد جامعه در شرایط کار براین ادعا استوار است .

در پایان باید اذعان کرد که حضور معلولین در جامعه جهادی فراگیر و همه جانبه راباکمک تیم توانبخشی و افراد جامعه و مسئولین و دست اندرکاران^ن میطلبد که در آنصورت میتوان موانع را یکی پس از دیگری از جلو راه — معلولین برداشت و به آنان نه تنها مهارت حرفه ای خاص آموزش داد بلکه با اتکال^ن به پروردگار متعال ، از امیدواری ، اعتماد بنفس ، واقع بینیی برخوردارگردند .

توانبخشی حرفه ای شاید بظاهر در مقاطع سنینی که فرد قابلیت اشتغال — دارد مطرح باشد ولی اساسی که فرد معلول را برای توانبخشی حرفه ای آماده میسازد بایداز زمان طفولیت در خانواده و دوران تحصیل وی پایه ریزی نمود .

به امید حضور فعال هرچه بیشتر معلولین در جامعه و دعای خیر برای همه خدمتگزاران به معلولین و محرومین .